

پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان

سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

صص: ۳۵-۶۸

بازتحلیلی بر موضوع شناسی و شخصیت‌پژوهی دایرةالمعارف قرآن لیدن بر اساس روش تحلیل محتوا^۱

سیده سمانه میرمرادی^۲، علیرضا نوبری^۳ (نویسنده مسئول)، جواد اسحاقیان درچه^۴

چکیده

دایرةالمعارف قرآن (EQ)، در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ در لیدن هلند در شش جلد به چاپ رسید. این پژوهش در راستای کشف رویکرد کلی این دایرةالمعارف، به دو سؤال پاسخ می‌دهد؛ اول اینکه نمای کلی موضوعات مندرج در دایرةالمعارف قرآن چه مواردی را نشان می‌دهد و دیگر اینکه گستره دینی و ملیتی نویسندگان چه تأثیری بر رویکرد نظری کلی دایرةالمعارف داشته است و برای حصول نتیجه از روش تحلیل محتوا و نرم‌افزارهای آماری ایکس‌مایند و اکسل بهره برده است. موضوع مدخل‌ها در تقسیم‌بندی اولیه به دو بخش معارف قرآن و علوم قرآن و سپس هر یک به شاخه‌های جزئی‌تری تقسیم شدند. اکثر مدخل‌های بخش معارف قرآن مربوط به علوم انسانی است، که در این حوزه، ۲۴٪ به مسائل اعتقادی، اعم از اسلامی و ادیان دیگر، ۲۲٪ به تاریخ، ۱۴٪ به احکام عبادی و ۱۴٪ به غیر احکام عبادی اختصاص دارند. در بخش شخصیت‌شناسی، مشخص شد که ملیت بیشتر نویسندگان، آمریکایی بوده و از نظر مذهب تنها ۲۰٪ مسلمان هستند. همه نویسندگان اعم از اقلیت مسلمان و اکثریت غیرمسلمان دارای مبانی و پیش‌فرض‌های مشترکی هستند و حاصل تولیدات علمی آن‌ها در قالب علم سکولار انجام می‌شود و در یک نظام طراحی شده واحد از سوی مدیران این اثر، به ایفای نقش می‌پردازند.

واژگان کلیدی: دایرةالمعارف قرآن، موضوع‌شناسی، شخصیت‌پژوهی، تحلیل محتوا.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم سیده سمانه میرمرادی تحت عنوان «بررسی آراء مستشرقان درباره رابطه علوم انسانی با قرآن در دایرةالمعارف قرآن (EQ)» است.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، samaneh.mirmoradi@ut.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه تهران، a.nobari@ut.ac.ir

۴. استادیار دانشگاه تهران، Eshaghian.dorcheh@ut.ac.ir

۱. مقدمه

دایرةالمعارف قرآن، در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ از سوی انتشارات بریل در لیden هلند در پنج جلد به چاپ رسید و جلد ششم آنکه در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، پنج فهرست مختلف شامل نمایه مؤلفان، مدخل‌ها، اعلام، واژگان و عبارات عربی و آیات قرآن را دربرمی‌گیرد. در پیشگفتار EQ اطلاعات جامعی درباره فرآیند تدوین، انگیزه‌ها، اهداف، روش‌های نویسندگان و نحوه استفاده از آن آمده است. غیر از نقد و بررسی‌های انجام‌شده روی این دایرةالمعارف، مظفر اقبال در پژوهشی تعداد نویسندگان و میزان مشارکت مسلمانان و غیرمسلمانان در نگارش این دایرةالمعارف را ارزیابی کرده است، اما پژوهش وی به ملیت نویسندگان اشاره‌ای ندارد. در پژوهش‌های پیشینی که درباره دایرةالمعارف قرآن انجام شده، هیچ تحقیق جامعی در مورد زندگینامه نویسندگان، تخصص و رویکرد ایشان انجام نشده است، در صورتی‌که این پژوهش با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا، سعی در نوآوری در معرفی نویسندگان دارد و اطلاعات جامعی درباره مدخل‌های دایرةالمعارف به دست می‌دهد.

۲. روش پژوهش

تحلیل محتوا روشی برای جمع‌آوری و سازمان‌دهی اطلاعات در یک شکل استاندارد شده است که با بهره‌گیری از قواعد علمی، ضابطه‌مند و قابل تعمیم، نتایج دقیقی از متن و مؤلفه‌های آن به دست می‌دهد. در واقع این روش فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتواست. (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹) مزیت‌های خاص این روش عبارتند از: استناد دقیق و استفاده آسان به‌طوری‌که به‌کارگیری آن به تخصص ویژه‌ای نیاز ندارد و بخش عمده‌ای از اطلاعات لازم برای شناسایی در آن جمع‌آوری شده است. (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۳۵) روش اتخاذشده

در این پژوهش، تحلیل محتوای کمی دایرةالمعارف قرآن لیدن است که به این منظور، داده‌هایی از نویسندگان از جمله، دین، ملیت، دانشگاه، تعداد و نام مقاله در دایرةالمعارف و طبقه‌بندی موضوعی هر مدخل، به نرم‌افزار آماری اکسل منتقل و ثبت شدند. در نهایت برای دستیابی به محتوای کیفی، داده‌های اکسل، پس از درج نمودار، ارزیابی شده و نتایج به دست‌آمده تحلیل و بررسی شدند. واحدهای مأخوذه آماری، با مبنای بسیار سازنده و استراتژیکی انتخاب شده و به افزایش کیفیت آمارها و نتایج به دست‌آمده کمک شایانی کردند. ستونی نیز در اکسل به منظور درج نکات تکمیلی نویسندگان و مدخل‌های مورد نظر ایجاد شد که همین نکات می‌توانند برای تحقیقات بعدی بهره‌بردارى شوند.

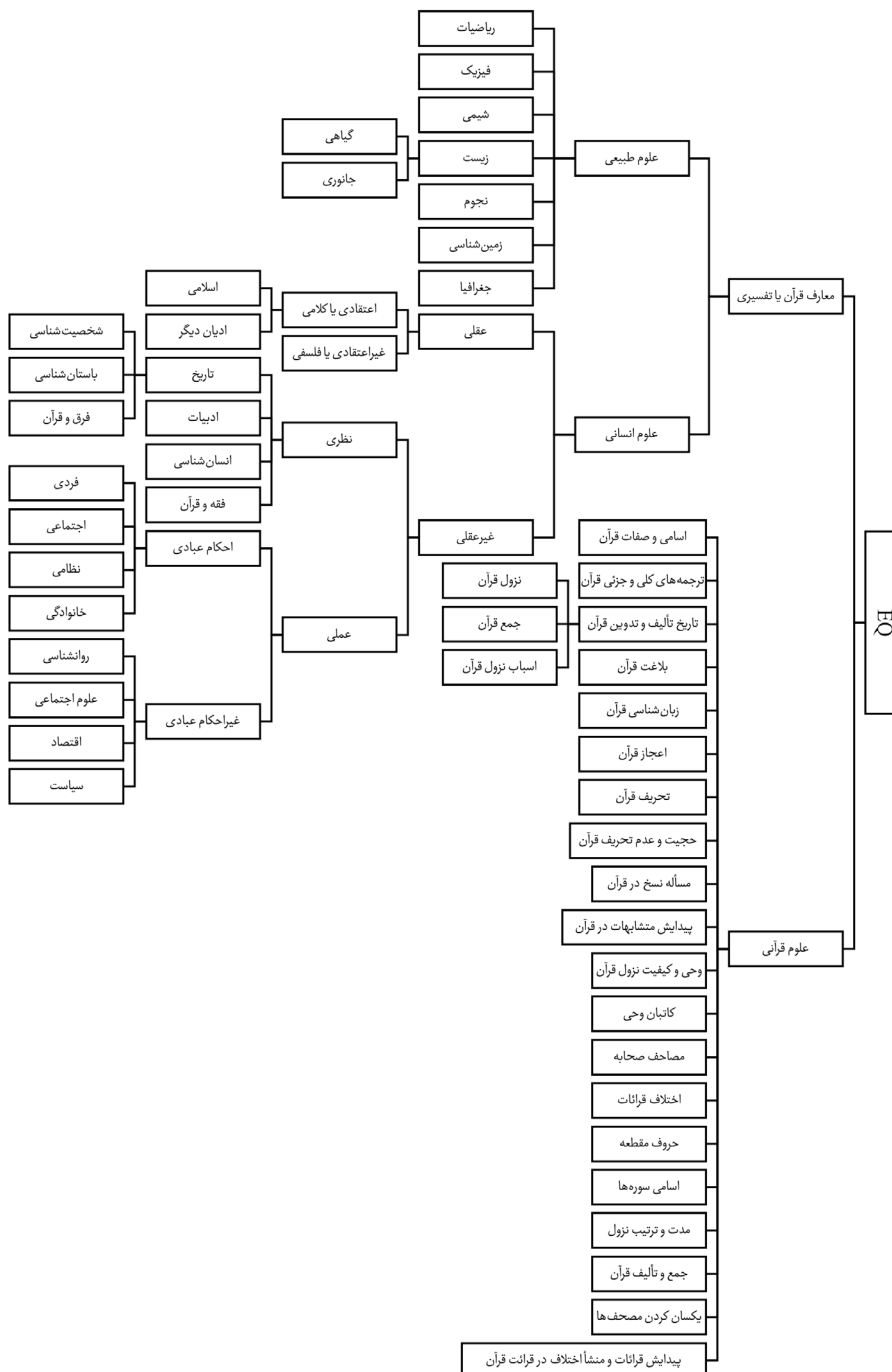
۳. گونه‌شناسی موضوعی مدخل‌های EQ

در EQ، ۶۹۴ مدخل وجود دارد که طبق پیشگفتار کتاب، دو گونه هستند:

۱. بخش عمده مدخل‌ها، مدخل‌های متعارف دایرةالمعارفی هستند که مربوط به شخصیت‌ها، مفاهیم، مکان‌ها، رویدادها، عقاید و اعمال مهم ذکرشده در قرآن هستند؛ مانند آتش، ابراهیم، ابوبکر، بخل و بدعت.

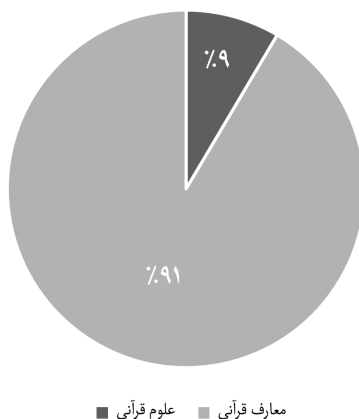
۲. گونه دیگر، مدخل‌هایی بلند هستند که از حیث ظاهری و محتوایی با گونه اول متفاوت‌اند و به نحوی وضعیت کنونی تحقیقات و پژوهش‌ها در حوزه مطالعات قرآنی را در اختیار قرار می‌دهند. مانند «مطالعات قرآنی پس از دوره روشنگری»، «روش‌های انتقادی معاصر و قرآن» و «مطالعات قرآنی در آفریقا» و معیار تفکیک آن‌ها گاهی تاریخی، گاهی جغرافیایی و گاهی روشی است. (همان: ۲۲)

اما در این پژوهش، موضوعات دایرةالمعارف قرآن طبق نمودار زیر تقسیم‌بندی شده و در ادامه به فراوانی مقالات در هر یک از این دسته‌ها پرداخته خواهد شد.



از آنجا که علوم قرآن بحثی بیرونی درباره مسائل مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن است و به درون و محتوای قرآن از جنبه تفسیری کاری ندارد، و معارف قرآنی کاملاً با مطالب درونی و محتوای قرآن سروکار دارد. (معرفت، ۱۳۸۶: ۷) در تقسیم‌بندی اولیه، مدخل‌های دایرةالمعارف به دو بخش معارف قرآن و علوم قرآن تقسیم شده‌اند که ۹۱ درصد مدخل‌ها در قسمت معارف قرآن قرار گرفتند.

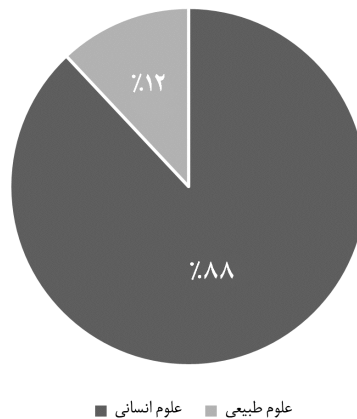
تقسیم‌بندی کلان موضوعات مدخل‌های EQ



مدخل‌های بخش معارف قرآن به دو دسته کلی علوم طبیعی و علوم انسانی تقسیم شده‌اند که علوم طبیعی شامل هفت قسمت ریاضیات، فیزیک، شیمی، زیست، نجوم، زمین‌شناسی و جغرافیا است که مجموعاً ۷۵ مقاله هستند و ۱۲ درصد از مدخل‌های معارف اسلامی را به خود اختصاص می‌دهند و ۸۸ درصد از مدخل‌های معارف اسلامی به علوم انسانی اختصاص می‌یابند و مبنای این تقسیم‌بندی تعاریفی از علوم انسانی است که در اینجا ذکر می‌شوند. طبق یکی از تعاریف، علوم انسانی دانش‌هایی است که درباره کنش‌های انسانی و احکام و آثار و پیامدهای آن‌ها بحث می‌کنند و علم به موجوداتی است که با اراده و آگاهی انسان، تحقق می‌یابند. (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۲۹-۳۰) یکی دیگر از محققان این عرصه، ژولین فروند معتقد است: منظور از علوم انسانی

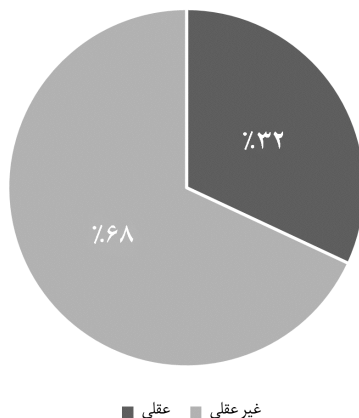
مجموعه‌ای از علوم مانند علم اقتصاد، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جغرافیا، تاریخ سیاسی، تاریخ علوم، تاریخ فلسفه تاریخ هنر، قوم‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ آموزش و پرورش، سیاست‌شناسی، باستان‌شناسی، فقه‌اللغه، شناخت فنون، جنگ‌شناسی، اسطوره‌شناسی، پیری‌شناسی و مانند آن است که معمولاً تحت چنین عنوانی گروه‌بندی می‌شوند. (فروند، ۳: ۱۳۷۲ - ۴) از نظر علامه مصباح یزدی علوم انسانی علمی هستند که مربوط به فکر و اندیشه انسان هستند و متعلق علوم انسانی، اندیشه انسان است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۷۷)

تقسیم‌بندی مدخل‌های مربوط به معارف قرآن در EQ



رقم ۸۸ درصدی مدخل‌های مرتبط با علوم انسانی، نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ بین مباحث قرآنی و علوم انسانی است، به این دلیل که هدف اساسی قرآن که همان هدایت است با حوزه علوم انسانی بیش از علوم دیگر در ارتباط است. مدخل‌های مربوط به علوم انسانی در یک تقسیم‌بندی کلی به موضوعات عقلی و غیرعقلی تقسیم می‌شوند که منظور از موضوعات عقلی، مباحث فلسفی و کلامی است که ۳۲٪ از مدخل‌های علوم انسانی را به خود اختصاص داده است و ۶۸٪ هم غیرعقلی هستند.

تقسیم بندی مدخل های مربوط به علوم انسانی در EQ



دسته علوم انسانی غیر عقلی به دو دسته نظری و عملی تقسیم می شوند که با نسبت مساوی هر یک ۵۰٪ از این بخش را به خود اختصاص داده اند. تاریخ، ادبیات و انسان شناسی از جمله موضوعات نظری هستند و موضوعات عملی هم به دو دسته احکام عبادی و غیر احکام عبادی تقسیم می شوند. احکام عبادی به شاخه های فردی، اجتماعی، خانوادگی و نظامی تقسیم می شوند و روانشناسی، اخلاق، علوم اجتماعی، سیاست و اقتصاد از جمله موضوعات جای گرفته در دسته غیر احکام عبادی هستند. طبق داده های آماری دریافت شده از نرم افزار اکسل، از مجموع مقالات دایرةالمعارف، ۲۴ درصد به مسائل اعتقادی اعم از اسلامی و ادیان دیگر، ۱۴ درصد به احکام عبادی، ۱۴٪ به غیر احکام عبادی و ۲۲ درصد معادل ۸۵ مقاله، به تاریخ اختصاص دارند. این قسمت شامل وقایع تاریخی، شخصیت شناسی، باستان شناسی و فرق دینی می شود. ۶۵ مقاله در قسمت شخصیت شناسی قرار دارند که شامل نام انبیا و شخصیت های تاریخی هستند.

۴. شخصیت‌شناسی نویسندگان EQ

شناخت کامل نویسنده، لازمه شناخت دقیق و روشن هر نوشتار بوده و ارزیابی هر سخنی بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های صاحب آن غیرممکن است. یقیناً ویژگی‌ها و اعتقادات شخصی و دینی هر نویسنده، بر کلام او تأثیرگذار خواهد بود. از طرفی علاوه بر شناخت مستشرقان قرون گذشته، بحث شناخت قرآن پژوهان بین‌المللی معاصر برای دانشجویان و محققان داخل کشور ضروری می‌نماید. برخی قرآن پژوهان به بحث ضرورت شخصیت‌شناسی نویسندگان دایرةالمعارف قرآن، یعنی تحلیلی آماری از نویسندگان، شامل: تعداد نویسندگان، دسته‌بندی آن‌ها بر اساس ملیت، دین و زمینه علمی آن‌ها، اشاره کرده‌اند. (شاکر، ۱۳۹۲: ۱۰) در این بخش از مقاله به معرفی هیئت تحریریه، ملیت و مذهب نویسندگان EQ پرداخته می‌شود.

۱،۴. هیئت تحریریه

دایرةالمعارف قرآن زیر نظر یک سرویراستار، چهار ویراستار و هفت مشاور ارشد و در مجموع ۲۷۸ نویسنده از سراسر دنیا نگاشته شده است.

۱،۱،۴. سرویراستار

سرویراستاری این اثر را استاد وقت دانشگاه جرج تاون آمریکا، جین دمن مکاولیف بر عهده داشته است. وی متولد ۱۹۴۴ و زاده پنسیلوانیا، پژوهشگری شناخته شده در سطح جهان در زمینه اسلام‌شناسی است. تخصص اصلی او تفاسیر قرآن است. او مدرک کارشناسی فلسفه و مطالعات کلاسیک را از کالج ترینیتی واشینگتن گرفت و مدرک کارشناسی ارشد در مذهب‌شناسی و مدرک دکترا در اسلام‌شناسی را از دانشگاه تورنتو اخذ کرد. (dbpedia:2022) او قرآن کریم را از حیث متنی، کتابی قدرتمند و تأثیرگذار، و از حیث سندی واجد اشکالاتی از جمله عدم جمع قرآن در زمان حیات

پیامبر (ص) و موقوف بودن اعتبار قرآن بر احادیث می‌داند. (ترکمانی، محمدی، ۱۳۹۳: ۳۱) از آثار مک‌اولیف کتاب‌های مسیحیان در قرآن (۱۹۹۱) و ترجمه تاریخ طبری و قرآن، آنچه همه باید بدانند (۲۰۲۰) است. وی شش مدخل «ابرهه»، «تکثر دینی و قرآن»، «قلب»، «فاطمه (س)»، «مجادله» و «کتاب مقدس» را در EQ نگاشته است.

۲،۱،۴. گروه ویراستاران

گروه ویراستاران این مجموعه چهار نفر از قرآن‌پژوهان مشهور غرب هستند.

- اندرو ریپین: (۱۹۵۰-۲۰۱۶) قرآن‌پژوه انگلیسی و استاد مطالعات اسلامی دانشگاه ویکتوریای کانادا و از محققان حوزه مطالعات قرآنی و تفسیری در عرصه بین‌المللی و از شاگردان ونزبرو بود. وی در سال ۱۹۷۷، از پایان‌نامه خود با عنوان «حرم و اصطلاحات مترادف و هم‌معنی آن در قرآن؛ تحلیلی از کاربردها و معنی آن» دفاع کرد و در ۱۹۸۱، رساله دکتری خود را با عنوان «متون اسباب نزول قرآنی؛ بررسی در کاربرد و تحول آن در تفسیر» به پایان رساند. وی پیش‌تر با دایرةالمعارف اسلام (EI) و دایرةالمعارف دین (ER)، همکاری داشته است. او ویراستاری مجموعه مقاله پرمراجعه «رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن» (۱۹۸۸) و مجموعه مقاله «پیدایش تفسیر قرآن» (۱۹۹۹) را بر عهده داشته است. همچنین کتاب‌های راهنمایی به سوی اسلام، مأخذی برای مطالعه اسلام و قرآن: شکل‌گیری دانش تفسیر به ویراستاری و کوشش ریپین منتشر شده‌اند. (صادقی، ۱۳۸۲: ۷۶) مهم‌ترین مدخل مرتبط با تخصص اصلی او در EQ، مدخل «اسباب نزول» است.

- ویلیام گراهام: (متولد ۱۹۴۳) محقق آمریکایی مطالعات اسلامی و تاریخ دین و استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد است. کارهای علمی او بر تاریخ دینی اولیه اسلامی و سنت‌های متنی (قرآن و حدیث) و موضوعاتی در تاریخ جهانی دین متمرکز شده است و کتاب میراث تمدن‌های جهانی از تألیفات او است. (Harvard Divin-

ity School (HDS), 2011) وی چهار مقاله «بَسْمَلَه»، «متن مقدّس و قرآن»، «سنت شفاهی» و «فاتحه» را در EQ نگاشته است.

- کلود ژیلیو: (متولد ۱۹۴۰) اسلام‌شناس فرانسوی، از دانشگاه اکسان پروانس فرانسه است. وی در زمینه قرآن‌شناسی، متون تفسیری به‌ویژه تفسیر طبری و تاریخ اسلام آثاری را بر جای گذاشته است. (Coran et sciences de l'Homme: 2008) وی شش مقاله «تفسیر قرآن: دوره آغازین و میانه»، «قصص قرآن»، «علوم قرآن»، «مسجد ضرار»، «زبان و سبک قرآن» و «تعلیم‌دهندگان (ادعایی) پیامبر» را در EQ نگاشته است.

- وداد قاضی: (متولد ۱۹۴۳) محقق لبنانی-آمریکایی و استاد دانشگاه شیکاگو آمریکا است. او فارغ‌التحصیل رشته ادبیات عرب از دانشگاه آمریکایی بیروت است. او چندین سال استاد زبان عربی در دانشگاه آمریکایی بیروت بود، سپس به آمریکا رفت و در دانشگاه‌های هاروارد، کلمبیا و ییل به تدریس پرداخت و از سال ۱۹۸۸ استاد اندیشه اسلامی در دپارتمان زبان‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک در دانشگاه شیکاگو شد، و چندین سال ریاست آن بخش را نیز بر عهده داشت. تحقیقات وی بر نثر کهن عربی تمرکز داشته و تألیفات متعددی در زمینه تاریخ و اندیشه اسلامی دارد. (The University Of Chicago, 2022) وی سه مقاله «سلطه»، «ادبیات و قرآن» و «خلیفه» را در EQ نگاشته است.

۳،۱،۴. هیئت مشاوران ارشد

هیئت مشاوران ارشد دایرة‌المعارف را هفت تن از محققان عرصه مطالعات قرآنی تشکیل می‌دهند:

- نصر حامد ابوزید: (۱۹۴۳-۲۰۱۰) از قرآن‌پژوهان مصری مسلمانی است که وحی قرآنی را به سبک و شیوه مستشرقان غربی، تاریخمند می‌داند. او از آغاز کار آکادمیک

خود سعی در تبیین دیدگاه هرمنوتیکی تازه‌ای از قرآن و متون مقدس اسلامی داشت و استدلال می‌کرد که آن‌ها باید در بستر تاریخی و فرهنگی زمان خود تفسیر شوند. یکی از اصلی‌ترین نظریات ابوزید اعتقاد او به بشری بودن قرآن بود. (The New York Times:2010) نظریات ابوزید باعث شد که در کشور خودش یک بار مرتد اعلام شود. او همچنین معتقد بود برای برداشت از قرآن باید از علوم رایج بهره‌گیری کرد و خود متأثر از متد علوم تجربی بود. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۳۴۴) از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به، «معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن»، «رویکرد عقلانی در تفسیر قرآن»، «دایره‌های ترس: زنان در گفتمان دینی»، «محمد(ص) و آیات خدا: قرآن و آینده اسلام»، اشاره کرد. وی پنج مقاله «کبر»، «ستم»، «نیت»، «بیماری و سلامت» و «قرآن در زندگی روزمره» را در EQ نگاشته است.

- محمد ارکون: (۱۹۲۸-۲۰۱۰) اسلام‌شناس الجزایری الاصل، استاد دانشگاه سوربن و از طرفداران نوین‌گرایی و انسان‌گرایی اسلامی بود. وی خود را ناقد رادیکال سنت اسلامی، ایدئولوژی اسلامی و گفتار خاورشناختی سنتی تعریف می‌کرد. طرح فکری او در رویکرد به اسلام، تاریخ‌مند دیدن همه متن‌ها و گفتارها و نهادن همه رخدادها در سیاق تاریخی بود. او می‌کوشید سنت، متون و تاریخ اسلام را از چشم اندیشمندان رادیکال دوران خود از جمله لوسین فور، فرنان برودل، ژاک لاکان، میشل فوکو، ژاک دریدا، پیر بوردیو، ژاک گودی، کورنولیوس کاستوریادیس و رنه ژرار بخواند. (خلجی، ۱۳۸۹) از نظر عبدالعزیز ساشادینا، پذیرش آثار ارکون، علی‌رغم داشتن تفکرات منسجم، برای خوانندگان مسلمان معتقد، دشوار بود. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۳۴۴) او روش خاورشناسان را از این رو نقد می‌کرد که با اسلام و تاریخ آن برخوردی اروپامحورانه دارند و روش‌هایی را که در مطالعه جوامع غربی و متون یهودی و مسیحی به کار می‌گیرند در پژوهش اسلام کنار می‌گذارند، گویی اسلام، متون و جوامع اسلامی تافته‌ای جدا بافته‌اند. او می‌اندیشید روش‌شناسی علوم انسانی، هرمنوتیک و زبان‌شناسی جدید

همه باید در مطالعه اسلام اجرا شوند. اکنون نمی‌کوشید از اسلام هویتی متفاوت از ادیان دیگر بسازد. او خواهان مشارکت مسلمانان در چیزی بود که به باور او عقلانیتی جهانی بود؛ عقلانیتی که به پیروان ادیان گوناگون رخصت می‌دهد بر پایه معیارهایی که به باور او علمی بود، با یکدیگر گفتگو کنند و همدیگر را به شکلی تفاهمی بشناسند. (خلجی، ۱۳۸۹) از آثار او «تاریخ‌مندی اندیشه عربی-اسلامی»، «دانش اسلامی: قرائتی بر مبنای علوم انسانی» و «انسان‌گرایی در تفکر اسلامی» هستند. وی سه مقاله «روش‌های انتقادی معاصر و قرآن»، «خشونت» و «اسلام» را در EQ نگاشته است.

- گرهارد باورینگ: (متولد ۱۹۳۹) پس از تحصیلات فلسفی در مونیخ آلمان، دیپلم مطالعات اسلامی را از دانشگاه پنجاب در پاکستان دریافت کرد و همچنین در مصر به تحصیل زبان عربی پرداخت. وی پس از مطالعات الهیات در مونترال، در دانشگاه مک‌گیل به تحصیل اسلام پرداخت و در سال ۱۹۷۵ دکترای مطالعات اسلامی گرفت. از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۴ ابتدا دستیار و سپس دانشیار دانشگاه پنسیلوانیا بود و در سال ۱۹۸۴، استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه بیل شد. او نویسنده «بینش عرفانی هستی در اسلام کلاسیک» (۱۹۸۰)، «نسخه انتقادی عربی تفسیری بر قرآن» (۱۹۹۵ و ۱۹۹۷) و «ایده زمان در اسلام» است. (American Philosophical Society, 2019) وی پنج مقاله «گاه‌شماری و قرآن»، «زمان»، «نماز»، «اسماء و صفات خداوند» و «پیمان» را در EQ نگاشته است.

- اوری روبین: (۱۹۴۴-۲۰۲۱) اسلام‌پژوه یهودی اسرائیلی و استاد گروه زبان عربی و مطالعات اسلامی دانشگاه تل‌آویو بود. وی افزون بر نگارش برخی از مدخل‌های EQ، آثار مستقلی در حوزه مطالعات قرآن، تورات و حدیث دارد. وی در رویکرد آبجکتیو به مطالعات اسلامی از موضع محقق بی‌طرف و صرفاً با نگاه تاریخی به پژوهش می‌پردازد. (طباطبایی: ۱۳۹۳) ترجمه عبری او از قرآن در سال ۲۰۰۵ منتشر و در ۲۰۱۶ با اعمال برخی تغییرات بازچاپ شد.

- فردریک لیمهویز: (۱۹۴۲-۲۰۲۱) یکی از شناخته‌شده‌ترین متخصصان هلند در زمینه قرآن و اسلام است. این عنوان تا حدودی به لطف ترجمه قرآن او است که در سال ۱۹۸۹ منتشر شد. (Afscheid arabist Fred Leemhuis:2009) او پنج مقاله «آخرالزمان»، «قراءات قرآن»، «علیون»، «حمزه» و «مصحف‌های قرآن» را در EQ نگاشته است.

- جرالد هاوتینگ: (متولد ۱۹۴۴) مورخ و اسلام‌شناس انگلیسی و از شاگردان ونزبرو است. وی کتاب‌های «اولین سلسله اسلام: خلافت اموی ۶۶۱-۷۵۰م» (۲۰۰۰) و «بت‌پرستی و ظهور اسلام» (۱۹۹۹) (SOAS, University Of London:2022) و یازده مقاله «کعبه»، «عبادت»، «سنت و رسوم»، «عربستان پیش از اسلام»، «حزب و فرقه»، «سوگند»، «بت و تمثال»، «بت‌پرست و بت‌پرستی»، «گوساله سامری»، «کفاره» و «حج و عمره» را در EQ نگاشته است.

- آنگلیکا نویورت: (متولد ۱۹۴۳) در آلمان و استاد مطالعات قرآنی و ادبیات عرب در دانشگاه برلین است. وی فوق‌لیسانس (۱۹۷۰)، دکتری تخصصی (۱۹۷۲) و رتبه استادی (۱۹۷۷) را از دانشگاه مونیخ دریافت کرده است. عنوان رساله استادی وی «تحقیق در ساختار سوره‌های مکی قرآن» است. او در دو زمینه اصلی مطالعات قرآنی و تفسیری و ادبیات معاصر عرب، به‌ویژه شعر فلسطین، پژوهش، تدریس و تألیف داشته است. وی عمده تحصیلات خود را در دانشگاه‌های برلین، تهران (شش ماه در سال ۱۳۴۸ ه.ش)، گوتینگن، بیت‌المقدس و مونیخ در رشته‌هایی چون ادبیات عرب، زبان‌های سامی و فقه‌اللغه زبان‌های باستانی انجام داده است. (تبیان: ۱۳۹۵) نویورت ده مقاله «کیهان‌شناسی»، «آیه»، «سوره»، «نسبت‌های مکانی»، «بلاغت و قرآن»، «رمضان»، «اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن»، «جغرافیا»، «شکل و ساختار قرآن» و «موعظه» را در EQ نگاشته است.

۴،۱،۴. نویسندگان مقالات EQ

تعداد ۲۷۸ نویسنده نگارش یک تا نوزده مقاله در EQ را بر عهده داشته‌اند.

- اندرو ریپین: پرکارترین نویسنده EQ است چراکه تعداد نوزده مقاله به قلم اوست.
- اوری روبین: پس از اندرو ریپین، صاحب بیشترین تعداد مقاله یعنی شانزده مقاله در EQ است.
- رنوو فایرستن: متولد ۱۹۵۲ در آمریکا است. فایرستن خود تأکید دارد که با عنوان ربی (روحانی) (خاخم) (یهودی)، خوانده شود. استاد یهودیت و اسلام در کالج اتحادیه عبری، واقع در لس‌آنجلس آمریکا، و از مؤسسان و فعالان مرکز فعالیت‌های اسلامی-یهودی در این کالج است. این کالج متعلق به جریان فکری یهودیان رفرمیست یا اصلاح‌گرا است. او مدتی در اسرائیل، مصر و آلمان زندگی کرده و سفرها و سخنرانی‌های بسیاری در کشورهای اروپایی و آسیایی، به‌ویژه خاورمیانه داشته است. مهم‌ترین حوزه‌های مطالعاتی وی، تاریخ صدر اسلام، روابط میان مسلمانان و یهودیان و مفهوم برگزیدگی در ادیان هستند. فایرستن نویسنده هفت کتاب و بیش از هشتاد مقاله علمی (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵۳) و پانزده مقاله در EQ است.
- روبرتو توتولی: (متولد ۱۹۶۴) چهارده مقاله را که بیشتر شخصیت‌های تاریخی، انبیا (ع) و اقوام هستند مانند: «الیاس»، «عاد»، «شعیب»، «صالح»، «اصحاب رَس»، «رقیم»، «اصحاب اُخدود»، «اصحاب کهف»، «قارون»، «عمران»، «حزقیال»، «الیسع» نگاشته است. وی همچنین کتابی با عنوان «پیامبران عهدین در قرآن و منابع اسلامی» دارد.
- جerald هاوتینگ: (متولد ۱۹۴۴) مسیحی، از دانشگاه لندن و اهل انگلستان است و تعداد یازده مقاله را نگاشته است.
- مستنصر میر: (متولد ۱۹۴۹) در پاکستان است. وی به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۹ لیسانس و فوق‌لیسانس خود را از کالج دولتی دانشگاه پنجاب پاکستان دریافت کرد و سال بعد موفق به دریافت فوق‌لیسانس دیگری در رشته مطالعات اسلامی از

دانشگاه میشیگان امریکا شد. وی در سال ۱۹۸۳ از همین دانشگاه دکترا گرفت. از آن پس در دانشگاه‌های میشیگان، ویرجینیا (آمریکا) و دانشگاه بین‌المللی اسلامی (مالزی) به تدریس مشغول بوده است. (مرکز و کتابخانه مطالعات اسلامی به زبان‌های اروپایی: ۱۳۹۹) تمرکز مطالعاتی وی بر ادبیات قرآن است و کتابی با عنوان «مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی» و مقالاتی در این زمینه نگاشته است. وی همچنین نگارنده یازده مقاله از جمله «یکپارچگی متن قرآن» و «ادبیات و قرآن» در EQ است.

انگلیکا نیورت، دوین استوارت و دیوید وینز هر کدام ده مقاله و فردریک ماتیوسن دنی نه مقاله را نگاشته است. آوینر گیلادی، نگارش هشت مقاله «فرزند» و «مادر رضاعی»، «پدر و مادر»، «یتیم»، «رضاع»، «سرپرستی رضاعی»، «سرپرستی» و «خانواده» را بر عهده داشته است که همه آن‌ها به نوعی به حوزه خانواده مربوط هستند. ویلیام برینر، سباستین گونتر و لئه کینبرگ صاحب هفت مقاله هستند. ده نفر از جمله: مک اولیف، کلود ژیلیو، ماتیاس تسانیزر و هارالد موتسکی شش مقاله دارند و سیزده نویسنده از جمله: وائل حلاق، فردریک لیمهویز، نصر حامد ابوزید، گرهارد باورینگ و برانون ویلر پنج مقاله دارند. سیزده نویسنده از جمله: ویلیام گراهام، نیل رایبسنس و دانیل مادیگان چهار مقاله دارند. ۳۷ نفر سه مقاله، ۶۵ نفر دو مقاله و ۱۲۳ نفر هم یک مقاله نگاشته‌اند. یعنی از ۲۷۸ نویسنده، ۲۲۵ نفر یک تا سه مقاله دارند و ۳۳۰ مقاله (۴۷/۵٪) از مجموع ۶۹۴ مقاله EQ، به قلم ۵۳ نفر نوشته شده است که ۹۵ درصد از این تعداد غیرمسلمان هستند. (اقبال، ۱۳۸۸: ۱۷)

۲.۴. ملیت نویسندگان EQ

در بررسی روش‌های مطالعات اسلامی در غرب، یکی از عوامل تعیین‌کننده، بی‌تردید ملیت و قومیت شخص محقق و مبانی فکری و پیش‌دانسته‌های اوست. پیش‌فرض‌های یک اسلام‌شناس در روش و نگرش او تأثیر می‌گذارد. در دوره معاصر

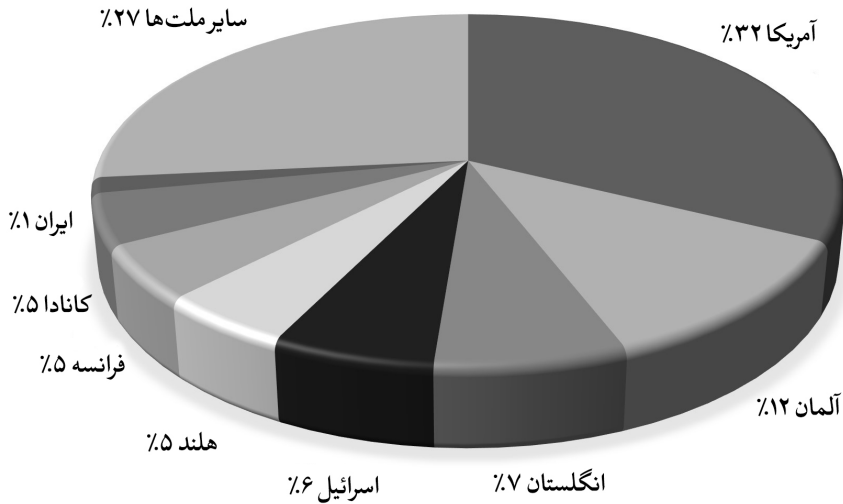
روش و نگرش محقق‌های آلمانی مثل انگلیکا نیورت با روش و نگرش محقق‌های فرانسوی مثل کلود ژیلیو یا محقق‌های آمریکایی همچون مک‌اولیف متفاوت است. محققان آلمانی بسیار دقیق تربیت شده و به دقت کاری و صحیح خواندن متون شهرت دارند، در مقابل در انگلستان و آمریکا این دقت در تحقیق دیده نمی‌شود. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۲۹۸) از نظر فراوانی ملیت نویسندگان دایرةالمعارف، آمریکایی‌ها با حدود ۹۰ نویسنده بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.

ملیت	فراوانی
آمریکایی	۹۰
آلمانی	۳۳
انگلیسی	۲۰
اسرائیلی	۱۷
فرانسوی	۱۴
هلندی	۱۴
کانادایی	۱۳
ایرانی	۴
سایر ملیت‌ها	۷۳

جدول ترتیب فراوانی ملیت نویسندگان EQ

در مجموع ۷۳ نویسنده هم از سایر کشورها همچون استرالیا، ایتالیا، لبنان، پاکستان، فلسطین، روسیه، سوریه و ... هستند.

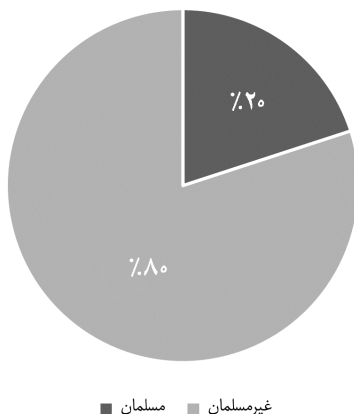
درصد فراوانی ملیت نویسندگان EQ



۳،۴. مذهب نویسندگان EQ

طبق داده‌های آماری دریافت شده از نرم‌افزار اکسل، از بین ۲۷۸ نویسنده این اثر، ۸۰ درصد غیرمسلمان و ۲۰ درصد مسلمان هستند. با وجود مکاتبه با نویسندگان، به جز اطلاعاتی که در منابع مشخص بود، اطلاعات قابل توجه بیشتری از مذهب نویسندگان به دست نیامد، زیرا محققان غربی اصولاً پیش فرض‌های خود را کتمان می‌کنند، اما اخلاقیات نویسندگی ایجاب می‌کند که نویسنده صادقانه به عقاید خود اعتراف کند تا خواننده بدانند که از کجا به بحث علمی ورود می‌کند. در جوامع غربی، به دلیل غلبه سکولاریسم، پرسش و آگاهی از عقیده و دین افراد بی‌احترامی تلقی می‌گردد و مذموم است. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۳۷۹ و ۱۸۰)

فراوانی نویسندگان مسلمان و غیرمسلمان در دایرةالمعارف قرآن



در این قسمت چهار موضوع بررسی می‌شود. ابتدا معضل تدریس اسلام توسط غیرمسلمانان در دانشگاه‌های غربی، در ادامه تفاوت‌های اسلام‌شناسان مسلمان و غیرمسلمان، سپس موضوع قرارگیری نویسندگان EQ در منظومه‌ای هدفمند و در نهایت تفاوت اندیشمند مسلمان با اندیشمند اسلامی و به تبع آن تفاوت دایرةالمعارف قرآن نگاشته شده در غرب با دایرةالمعارف قرآن نگاشته شده در جامعه اسلامی، ذکر می‌شود.

۱،۳،۴. تدریس اسلام توسط غیرمسلمانان در دانشگاه‌های غربی

یکی از معضلات اسلام‌شناسی این است که در برخی دانشگاه‌ها، مانند هاروارد و یورک غالباً کرسی‌های تدریس اسلام در اختیار غیرمسلمانان و بخصوص یهودیان و بهایی‌ها^۱ است که به اسلام عقیده‌ای ندارند. به‌رغم دشواری دریافتن اعتقادات دینی محققان غربی، گاهی در نگاشته‌های مستشرقانی همچون ساشادینای تانزانایی، می‌توان به

۱. اساس ایدئولوژی بهاییان این است که ختم نبوت در اسلام معنا ندارد، وحی الهی ادامه دارد و کتاب اقدس (کتاب احکام و قوانین دینی بهاییان که معتقدند بر حسین علی بهاء، وحی شده است)، در ادامه آنان، کتابی الهی و وحیانی است. بهاییان همواره بر انکار ختم نبوت یا ختم وحی تأکید دارند و به واسطه آن به تفاسیری قائل می‌شوند که بتوانند دین خود را توجیه کنند.

مواردی از اعتقادات ایشان دست یافت. مثلاً «روی متحده»، استاد دانشگاه هاروارد، متخصص خاورمیانه و فرهنگ ایرانیان که خود بهایی و مادرش یهودی است و مدخل «برادر و برادری» را در EQ نگاشته است. طبق داده‌های آماری، برخی نویسندگان پرکار EQ مانند اوری روبین، رثوون فایرستن، آوینر گیلادی، لئه کینبرگ، یوحنا فریدمن، رافائل تالمن و روت رودد از اساتید یهودی دانشگاه‌های حیفا، اورشلیم و تل‌آویو هستند که به تدریس اسلام اشتغال دارند. این در حالی است که در هیچ دانشگاهی، دین یهود توسط غیریهودی تدریس نمی‌شود. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۱۷۴، ۲۳۰، ۲۴۱، ۳۸۸) درست است که برخی محققان اسلام‌پژوه غیرمسلمان، به زبان عربی مسلط هستند و اشراف عمیقی بر متون اسلامی دارند، اما زمانی که کرسی تدریس و تبیین اسلام در اختیار فرد مسلمان مؤمن، که نسبت به متون و اعتقادات خویش حساس است و حس تعلق دارد، قرار گیرد، در این صورت معارف تدریس شده برآمده از متن و اعتقاد اصیل مسلمانان است. برای توضیح بیشتر این مطلب، باید تفاوت‌های اسلام‌شناسان مسلمان و غیرمسلمان را بررسی کنیم.

۲،۳،۴. تفاوت‌های اسلام‌شناسان مسلمان و غیرمسلمان

علی‌رغم پیش‌فرض‌های مشترک، که در ادامه توضیح داده خواهد شد، تفاوت‌هایی در پژوهش‌های اسلام‌شناسان غربی و شرقی دیده می‌شود که می‌توان آن‌ها را در سه مورد اهمیت نقش ایمان در دین‌شناسی، منابع مورد استفاده و گفتمان نیابتی اسلام‌شناسان غربی خلاصه کرد.



۱،۲،۳،۴. اهمیت نقش ایمان در دین‌شناسی

یکی از مسائل مهم در دین‌شناسی، بررسی نقش اعتقادات، باورها، تعهد مذهبی و ایمان در تحقیقات آکادمیک است، که بر این اساس، دین‌شناسان به محقق درون‌دینی (معتقد) و محقق برون‌دینی (غیرمعتقد) تقسیم می‌شوند. مشکلات متعددی در نگرش برون‌دینی مانند غلبه سیاست، فرهنگ مدرن و سکولار بر مطالعات دین‌شناختی وجود دارد، اما از آنجاکه زیربنای دین‌شناسی اعتقاد به دین است، مطالعه دین برای فرد مقید، به سهولت انجام می‌شود، چراکه اعتقاد فرد، پشتوانه اوست و وقتی به ضدونقیض‌هایی در متن برخورد می‌کند، در نمی‌ماند و سرانجام آن را با جرح و تعدیل یا توجیه، حل می‌کند، اما نویسندگان غیرمسلمان آزادانه به هر عقیده‌ای اشکال می‌کند. برای مثال فایرستن در مدخل «ابراهیم»، با برداشت نادرست، اشارات قرآن به فرزندان ابراهیم را ناسازگار می‌بیند. (فایرستن، ۱۳۹۷: ۱ / ۱۱۱) یا از نظر زابینکه اشمیتکه، نویسنده مقاله «تقدیر»، تناقضاتی ظاهری در قرآن در مورد مسئله جبر و اختیار وجود دارد. وی در انتهای مدخل می‌نویسد «قرآن، متنی که هدف آن دعوت مردم به ایمان است، در جستجوی هماهنگی دقیق کلام نیست...» (اشمیتکه، ۱۳۹۷: ۲ / ۲۰۴) درحالی‌که از نظر مسلمانان، آیاتی که ناظر به جبر و اختیارند باید با اصل قرار دادن یک دسته و تأویل دسته دیگر بر اساس آن‌ها تفسیر گردند. یا خوتیر یوینبیل در مقاله «حدیث و قرآن» می‌نویسد «نقل شده است که پیامبر در یادآوری وحی گهگاه دچار فراموشی می‌شد و از این موضوع رنج می‌برد.» (یوینبیل، ۱۳۹۷: ۲ / ۴۵۷) درحالی‌که اگر حدیثی در مخالفت با نص قرآن قرار گیرد، مورد پذیرش نیست و طبق آیات ۶ و ۷ سوره اعلی پیامبر جز آنچه را خدا بخواهد فراموش نخواهد کرد.

۲،۲،۳،۴. منابع مورد استفاده

تفاوت عمده‌ای که بین اسلام‌شناسان غربی با محققان شرقی وجود دارد، استفاده از منابع است. مسلمانان احتمالاً به دلیل تسلط به زبان عربی، مراجعه بیشتری به منابع

سنتی اسلامی دارند، برای مثال احمد قارا مصطفی در مقاله «تاریکی»، خالد ابوالفضل در مقاله «شورش» و احمد مبارک بغدادی در مقاله «شورا» (که برانون ویلر آن را به انگلیسی ترجمه کرده است) تنها از منابع اصیل عربی استفاده کرده‌اند و منابع اصلی مورد استفاده بسیاری از نویسندگان مسلمان EQ، از جمله مستنصر میر، محمد فاروق، عظیم نانجی، محمد بامیه و محمد حسام فاضل، عربی است. ولی استناد محققان غربی معمولاً به کارهای مستشرقان قبلی و گاهی به منابع بهائیت و بابیت و... است. برای مثال محققانی همچون انگلیکا نویورت در مقاله‌های «آیه»، «اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن»، «سوره»، «کیهان‌شناسی»، «موعظه» و «نسبت‌های مکانی»؛ دوین استوارت در مدخل‌های کوتاه «دندان»، «کفرگویی»، «نعمت و برکت» و «نفرین»؛ اندرو ریپین در مدخل‌های «بازرگانی» و «دیدن و شنیدن»؛ ژاکلین شائی در مقاله‌های «جن» و «مکه»؛ دانیل کارل پیترسن در مقاله‌های «آفرینش» و «بشارت»؛ ریچارد کیمبر در مقاله‌های «حدود الهی» و «دیه»؛ جرالدهاوتینگ در مقاله «کفاره»؛ گرهارد باورینگ در مقاله «پیمان»؛ پریسیلا سوچک در مقاله «فرهنگ‌های مادی و قرآن»؛ نیل رابینسن در مقاله «دجال» و... مقاله‌های خود را بدون مراجعه مستقیم به منابع عربی نگاشته‌اند.

۳،۲،۳،۴. گفتمان نیابتی اسلام‌شناسان غربی

لازمه علوم اجتماعی، عینی‌گرایی و تجربه‌گرایی است یعنی محقق مجبور به تحقیقات میدانی است و نباید به کتاب اکتفا کند. این نقد به پژوهش‌های نویسندگان EQ، وارد است که درباره موضوعی که برای ایشان مجهول است، به دلیل عدم ارتباط مستقیم با جامعه مورد تحقیق، گفتمان به صورت نیابتی شکل می‌گیرد. آن‌ها با مطالعه کتابخانه‌ای، کلیاتی استنباطی را به دست می‌آورند و مسائلی را تعمیم می‌دهند که ممکن است اصلاً در جامعه مسلمانان وجود نداشته باشد و از اوضاع مسلمانان تحلیل‌هایی می‌کنند که خود ندیده‌اند، و این شیوه تحلیل دور از صحنه آن‌ها باعث مشکل‌تر شدن پذیرش آراء آن‌ها می‌شود. برخی مستشرقان جدید به جای زبان‌آموزی و حضور میدانی، به رسانه‌ها

توجه می‌کنند و هیچ‌گونه شهودی از واقعیات ندارند. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۱، ۲۲۹-۲۳۰) برخی از آن‌ها نیز حضور میدانی کم‌رنگ یا محدودی دارند. مثلاً دلیل آیلکمن نویسنده مدخل «علوم اجتماعی و قرآن» با تعمیم سنت‌های منطقه‌ای به جهان اسلام و با محدودسازی حوزه مطالعه خود، سوء رفتار یک منطقه کوچک را به کل جامعه مسلمان نسبت داده، وی ملاک تعلیم و تربیت و حفظ آیات را صرفاً کشور مراکش قرار داده و عمومیت بخشیده است. (آیلکمن، ۱۳۹۷: ۴/۱۵۱) در مقابل، حُسن پژوهش‌های مسلمانان این است که به دلیل مطالعات میدانی، درک و شناخت کافی و دقیق از جامعه و فرهنگ بومی مردم خویش دارند.

۳،۳،۴. قرارگیری نویسندگان EQ در منظومه‌ای هدفمند

با توجه به اینکه علم غرب، تحت نفوذ قدرت و سیاست کشورها تولید می‌شود، آکادمی‌ها آزادی بیان واقعی ندارند و تحت الشعاع سیاست کلی کشورها هستند. مراکز محوری شرق‌شناسی و مطالعه اسلام مانند هاروارد و پرینستون با صرف هزینه‌ها و دستمزدهای چشمگیر به جذب محققان یهودی در حوزه مسلمانان، خاورمیانه و تشیع از جمله مایکل کوک، پاتریشیا کرون، برنارد لوئیس و دیگر یهودیان می‌پردازند و از سویی پذیرشی برای محققان معتقد و با ایمان که نظر مخالف آنان را داشته باشند، ندارند. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۱۷۴، ۲۴۱، ۲۹۹) دیدگاه‌های مؤلفان مداخل EQ، کاملاً مهندسی شده و هدفمند است، مجموعه‌ای است که این دانشنامه را برای رسیدن به مقصد مورد نظر خود یاری می‌کند، اعم از اینکه نگارنده‌ها، از این نقش خود آگاه باشند یا نباشند، به‌هرحال نویسندگان مداخل در یک نظام طراحی شده واحد از سوی مدیران این کتاب به ایفای نقش می‌پردازند، اگرچه در ظاهر، این کتاب، منبعی برای انعکاس اندیشه‌های مختلف اسلامی تلقی می‌گردد (سفیدحاجی، ۱۳۹۳: ۱۴۸) و مک‌اولیف در پیش‌گفتار EQ، می‌نویسد، که عمده‌اً از تنوع روش‌ها و دیدگاه‌ها در سرتاسر دایرةالمعارف قرآن استقبال کرده است. (مک‌اولیف، ۱۳۹۷: ۲۷) اما واقعیت

این است که همه نویسندگان اعم از اقلیت مسلمان و اکثریت غیرمسلمان دارای مبانی و پیش‌فرض‌های مشترک هستند و به همین جهت برای این کار انتخاب شده‌اند و همین پیش‌دآوری‌های سکولاریسم سبب عدم شناسایی مفاهیم قرآنی به طور صحیح می‌شود. از جمله پیش‌فرض‌های سکولاریسم، غیر وحیانی بودن قرآن و نگاه تاریخی صرف به پدیدارهای قرآنی است که در ذیل به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱،۳،۳،۴. پیش‌فرض غیر وحیانی بودن قرآن

نویسندگان EQ، متن قرآن را نه وحیانی، بلکه بشری می‌دانند و تحت تأثیر همین پیش‌فرض، مطالب خود را در تخصص‌های مرتبط با خود مطرح می‌کنند. برای مثال گرهارد باورینگ در انتهای مدخل «گاه‌شماری و قرآن»، به نتیجه‌ای می‌رسد که از منظر مؤمنان به وحیانی بودن قرآن نمی‌تواند معتبر باشد: «ممکن است لازم باشد پژوهشگران با صراحت بیشتر از این دیدگاه دفاع کنند که محمد (ص) صرفاً سخنگوی پیام قرآن نبود، بلکه، در قامت نویسنده بشری تاریخی و واقعی آن، نقشی مهم در تدوین و تألیف آن داشت.» (باورینگ، ۱۳۹۷: ۴ / ۵۹۹) همچنین مقاله «زبان و سبک قرآن» نوشته کلود ژیلیو و پی‌یر لارشه گزارشی از تلاش‌های غیرمسلمانان در توضیح و تبیین زبان و سبک قرآن بدون توجه به منشأ الهی و وحیانی آن است. (ژیلیو، لارشه، ۱۳۹۹: ۳ / ۲۲۲-۲۴۵) همین‌طور بخشی از مطالب مقاله «شکل و ساختار قرآن» نوشته نویورت مبتنی بر فرض غیر وحیانی بودن قرآن است. (نویورت، ۱۳۹۹: ۳ / ۵۳۵-۵۵۷) وی همچنین در مقاله «آیه» می‌نویسد «می‌توان به جای ادعای حقانیت الهیاتی از ادعای حقانیت شعری سخن به میان آورد.» (نویورت، ۱۳۹۷: ۱ / ۹۹) شری لوئین نیز در مقاله «تحریف و تبدیل»، با ادعاهایی مربوط به دستکاری در قرآن و اضافه‌شدن شماری از آیات (مثلاً اسراء: ۱) به قرآن و ... در واقع قرآن را غیر وحیانی می‌داند. (لوئین، ۱۳۹۷: ۲ / ۷۱) باربارا فریر استواسر در مدخل «خدیجه» معتقد است شاید ورقه بن نوفل، جزئیات مربوط به باورهای مسیحیت را در اختیار محمد (ص) قرار داده باشد.

(استواسر، ۱۳۹۷: ۲ / ۵۴۳) درحالی‌که بر اساس عقاید اسلامی محتوای قرآن و حیانی است و پیامبر (ص) آن را از کسی تعلیم نگرفته است.

۲،۳،۳،۴. تاریخی‌نگری صرف در نگاه‌های نویسندگان EQ

بیشتر نویسندگان دایرة‌المعارف‌درپی تفسیر تاریخی قرآن هستند. اساساً مستشرقان معتقدند که کتب مقدس، بشری، تاریخمند و قابل تأویلات معاصرته هستند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۷۷)، چنانکه پویین می‌نویسد: «مسلمانان دوست دارند به آثار متنی استناد کنند تا نشان بدهند که بایبل تاریخ‌مند است و مستقیم از آسمان به زمین نیامده است، اما تاکنون چنین بحثی را درباره قرآن پیش نکشیده‌اند. تنها راه برای شکستن این سد این است که ثابت کنیم قرآن هم تاریخی دارد.» (صادقی و گودرزی، ۱۴۰۰، ۸۷) در روش آکادمیک غربیان، اعتقاد بر این است که متون دینی در طول تاریخ، تطور و تکامل یافته‌اند. در تکوین آموزه‌های دینی، با نگاه تاریخی، بسیاری از آموزه‌ها به جای انتساب به دین، به تاریخ، و ایجاد آن‌ها به مسلمانان نسبت داده می‌شود، و این بدان معناست که خود اسلام چنین آموزه‌ای نداشته است. نتیجه این است که اعتقادات را وابسته به آن زمان و به اندیشه‌ها و حالات انسان‌ها می‌کند و به اصالت خود عقیده لطمه می‌زند. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۴۸-۴۹، ۳۳۷، ۳۳۹) مثلاً زوی متحده در مدخل «برادر و برادری» در توضیح قاعده ذکرشده در آیه ۲۲ سوره مجادله می‌نویسد: «این سوره مدنی است و ممکن است درباره تلاش‌های پیامبر باشد برای آنکه مؤمنان واقعی مدینه وفاداری به اسلام را فراتر از احساسات خویشی یا نسبت‌هایشان با منافقان قرار دهند.» (متحده، ۱۳۹۷: ۱/۵۱۳) در روش تاریخی، متن در شرایط تاریخی و زمان معاصرش و بدون پیش‌فرض‌های الهیاتی، بررسی می‌شود. (توفیقی، ۱۴۰۰) از ویژگی‌های رویکرد تاریخی می‌توان به نگاه به دین به مثابه شیء یا یک موضوع صرفاً تاریخی، دخالت ندادن پیش‌فرض‌های غیرتاریخی در تحلیل‌های تاریخی، پرهیز از هرگونه داوری اخلاقی یا زیبایی‌شناختی درباره گزاره‌های تاریخی، تعلیق اعتقادات شخصی در پژوهش و بی‌طرفی نسبت به دین مورد تحقیق و تاریخ‌زدگی به معنای بریدن از زمان حال و غرق شدن در منابع

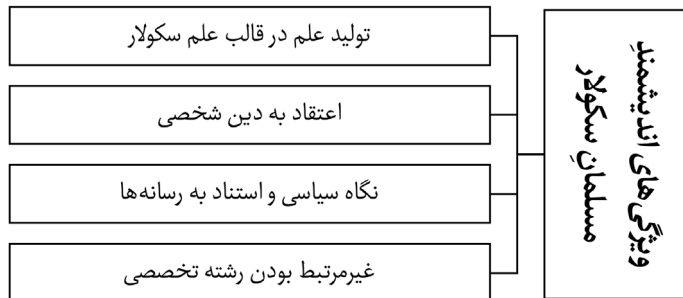
و مطالب تاریخی اشاره کرد. (طباطبایی، ۱۳۹۳) نگاه تاریخی صرف به پدیدار دینی موجب استتار هویت آن در حیثیت تاریخی، می‌شود و گمان می‌گردد که آن پدیدار دینی چیزی جز جنبه مکشوف در مطالعه تاریخی ندارد نتیجه اعتقاد به اینکه پدیدارهای دینی، تنها دارای هویت، شأن و منزلت تاریخی هستند، انکار قدسی بودن دین (جوهر اصلی دیانت) است و واقع‌گرایی را از محقق دور می‌کند. (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵: ۲۸۹-۲۹۰، ۲۹۳، ۳۹۹-۴۰۰) گرهارد باورینگ نیز در مدخل «گاه‌شماری و قرآن» به پیوند دادن آیات قرآن به رویدادهای تاریخی برگرفته از منابع غیر قرآنی با روش نقد منبع اشاره می‌کند. (باورینگ، ۱۳۹۷: ۴ / ۵۴۱-۵۵۹) همچنین برانون ویلر در مدخل «نقض عهد و امانت» می‌نویسد: «بسیاری از مفسران آیات ۴ توبه و ۹۱ نحل را که از عهد برحذر می‌دارند، چنین تفسیر کرده‌اند که به وقایعی خاص در حیات پیامبر مربوط‌اند.» (ویلر، ۱۳۹۹: ۵ / ۳۸۸)

۴,۳,۴. تفاوت اندیشمندِ مسلمان با اندیشمندِ اسلامی

در گام آخر به تفکیک عالمِ اسلامی از عالمِ مسلمان، و به تبع آن تفکیک علمِ اسلامی از علمِ مسلمانان پرداخته می‌شود، تا با توجه به آن، بین دایرةالمعارف قرآن نگاشته شده در غرب با دایرةالمعارف قرآن نگاشته شده در جامعه اسلامی تفکیک قائل شویم.

۱,۴,۳,۴. اندیشمندِ مسلمانِ سکولار

اندیشمندِ مسلمانِ سکولار دارای ویژگی‌های زیر است:



نخست، تولید علم در قالب علم سکولار

یک اندیشمند، ممکن است مسلمان باشد و تمامی مبانی شریعت اسلامی را در رفتارهای فردی و اجتماعی خود انجام دهد، ولی حاصل تولیدات علمی وی در قالب علم سکولار و نه مطابق با چارچوب الهی انجام شود که نتایج حاصل از آن به علم یا نظریه اسلامی منجر نمی‌گردد. در حوزه علوم انسانی در جهان اسلام، تعداد اندیشمندانی از این دست قابل ملاحظه‌اند. مسلمانان سکولار عمدتاً از جهان عرب (عراقی، مصری و یا اردنی) بوده که به دلیل تسلط به زبان خارجی و محلی، بهتر از غربیان متون را می‌فهمند و به نیابت از جوامع اسلامی در مراکز آکادمیک سخنرانی و تدریس می‌کنند. آکادمی‌ها و رسانه‌های غربی به دلیل همسویی رسالتشان در غرب، از ورود گروه‌های مسلمان به مراکز آکادمیک غربی سوءاستفاده می‌کنند و از استناد به این دسته از مسلمانان بسیار راضی هستند. ساشادینا در همین مورد معتقد است که عربی بودن نام اشخاص، نشانگر این نیست که به عنوان مسلمان می‌نویسند، بلکه فقط عنوان و اسم عرب را داشته، ولی آراء غربگرایانه دارند. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۳۶) سیر تفکر سکولارها (چون در غرب درس و کتاب‌هایی به زبان انگلیسی می‌خوانند) عمدتاً به صورت ناخودآگاه متأثر از فضای غرب و تحت تأثیر مفاهیم غربی است. آنان به دلیل تفکرات روشنفکری عصر جدید تمایل بیشتری به پذیرش اندیشه‌های مستعمل غربی دارند. (سفیدحاجی، ۱۳۹۳: ۱۳۱) مسلمانان سکولار که تک‌بعدی می‌اندیشند و میان‌رشته‌ای نیستند، در پی ایفای نقش مصلح اجتماعی، درصدد واکنش به مفاهیم غربی (دموکراسی و آزادی و ...) برآمده و سعی در القای این مسئله دارند که منهج منحصر به فرد خود را دارند، و این در حالی است که منهج آن‌ها به کلی رنگ و بوی غربی دارد و در اندیشه و تفکر، هیچ تفاوتی با محققان غربی ندارند. به سخن دیگر اندیشمندان مسلمان، به خصوص در دنیای امروز آثار غربیان را می‌خوانند و بعد به دین اسلام توجه می‌کنند و می‌خواهند آن مصداق‌ها را

در اسلام پیدا کنند. سپس از آمیزش مفاهیم غربی و اسلامی، نوعی التقاط بین افکاری شکل می‌گیرد که نه شکل اسلامی درستی و نه شکل غربی دارد و در نهایت تفکرات این گروه، منجر به استتار تفکرات جامعه اسلامی با مفاهیم سکولاری می‌شود. نوشتن آثار انتقادی مسلمانان سکولار در باب اسلام و تفسیرهای جدید از اسلام طبق خوشایند غربیان، سبب ایجاد نگاه منفی و انتقادی غربیان به اسلام شده است. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۳۲)

دوم، اعتقاد به دین شخصی

سکولارها همیشه منکر و ضد دین و مذهب نیستند، بلکه طرفدار دین فردی یا شخصی (Personal Religion) هستند و تعریف آن‌ها از دین به شخصی‌سازی آن برای هر فرد بازمی‌گردد و اصولاً به جنبه عمومی آن معتقد نیستند، ممکن است این رویکرد در هم‌زیستی‌ها در ساحات عمومی به وجود بیاید تا مردم به راحتی بتوانند در غرب زندگی کنند. درحالی‌که از منظر اسلام «دین سکولار» معنا ندارد و وقتی آموزه‌های دینی به الهیات عملیاتی تبدیل می‌شوند، در سیاست، اقتصاد و همه شئون جامعه دخالت دارند. این رویکرد را در برخی آثار نویسندگان عرب شاهد هستیم که ایمان، امری درونی است و نیاز به تعهد بیرونی ندارد. (عسگری، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۱۷۸، ۲۷۱)

سوم، نگاه سیاسی و استناد به رسانه‌ها

اکثر مسلمانان سکولار تحت تأثیر متد جامعه‌شناختی، بیشتر به بررسی سیاست‌های کشورهای اسلامی می‌پردازند. ضعف آن‌ها این است که خود اسلام را بررسی نمی‌کنند و به جای اسناد تاریخی، از رسانه‌ها استفاده و به آن‌ها استناد می‌کنند همین امر باعث سطحی‌نگری و مجهول ماندن برخی احکام و آموزه‌های دینی شده است. مسلمانان سکولار با دینشان ارتباط زیادی ندارند و تفکر آن‌ها نیز ارتباطی به اسلام ندارد، در واقع اگرچه از لحاظ فرهنگی مسلمان هستند، اما از لحاظ اعتقادی، دین‌دار نیستند. آن‌ها با

بی‌توجهی به وحیانی بودن قرآن، دین را به عنوان فرهنگ، و نه عقیده قبول دارند، حال آنکه در تدریس دین باید به جای تمدن دینی، فرهنگ دینی و ادبیات دینی، به اصل دین و مبانی آن پرداخته شود. دین دارای متدلوژی خاصی است که تخطی از آن قطعاً اشکالات عدیده‌ای را ایجاد خواهد کرد. برای نمونه شهلا حائری در مقاله «ازدواج موقت» با تکیه بر منابع نادرست از جمله رسانه‌ها، به بیان مطالب واهی پیرامون این موضوع پرداخته است. وی می‌نویسد: «در ایران، ازدواج موقت از انقلاب ۱۳۵۷ عادی‌تر شده است.» و در جای دیگری از مقاله می‌نویسد: «این باور طعنه‌آمیز وجود دارد که این امر در اطراف شهرهای زیارتی ایران از دیگر جاهای کشور رایج‌تر است.» (حائری، ۱۳۹۷: ۱/ ۲۲۹-۲۳۰)

چهارم، غیر مرتبط بودن رشته تخصصی

ورود دانشمندان علوم طبیعی و ریاضی و فنی به مطالعات اسلامی به خصوص تاریخ علم در اسلام اگر همراه با تسلط بر معارف اسلامی، تاریخ اسلام و اشراف بر متون و ادبیات اسلامی باشد، می‌تواند مفید باشد، اما به نظر می‌رسد احتمال خطای افرادی که در رشته‌های غیرتخصصی ورود می‌کنند بیشتر است. غیرمتقن بودن، عدم حفظ اساس‌ها و پایه‌های اصالتی و عدم برخورداری از تخصص کافی، از آثار غیر مرتبط بودن رشته تخصصی اسلام‌شناسان است. برای مثال تخصص اصلی محمد شحرور (۱۹۳۸-۲۰۱۹) مهندسی عمران بود که به پژوهش در حوزه اسلام‌شناسی می‌پرداخت. همچنین نادیه ابوزهرا (۱۹۷۶-۲۰۲۱) که مدخل «زنا» را در EQ نگاشته، دارای مدرک کارشناسی اقتصاد و تحصیلات تکمیلی جغرافیا بوده است. (uottawa University, 2022)

۲،۴،۳،۴. اندیشمند اسلامی

اندیشمند اسلامی علاوه بر پایبندی به مبانی شریعت اسلامی در رفتار فردی و اجتماعی، فهم دقیقی از تاریخ اسلام، دین اسلام، قرآن، روایات و تاریخ تمدن اسلامی دارد و تولیدات علمی وی نیز در چارچوب یا جهان بینی اسلامی انجام می‌شود و تلاش

می‌کند تا با تعمق در وحی و سنت، رابطه بین معرفت خود و واقعیت اجتماعی برقرار کند و واقعیت‌های اطراف خود را بر اساس قواعدی که خداوند در هستی بنا نهاده، تحلیل کند و می‌کوشد، پاسخی به پرسش‌های مبنایی عصر خود ارائه دهد. چراکه در اسلام، باید رابطه‌ای درهم‌تنیده از علم و عمل وجود داشته باشد و این دو حوزه از یکدیگر جدا نیستند، به همین جهت مبانی سکولار، در علم اسلامی جایگاهی ندارند. پس برای رسیدن به علم اسلامی به عنوان یک سازه فکری، باید ضرورتاً انسان مؤمن دست‌به‌کار شود. اندیشمند الهی، از آنجاکه قبل از فیلسوف شدن به روش‌شناسی اجتهادی مسلح شده است، لذا قادر است از مسیرهای معتبر و در چارچوب الهی بهره ببرد و مفاهیم سکولاری را از اندیشه غربی حذف کرده و به جای آن مفاهیم اسلامی را جایگزین کند. (ایمان، کلاته ساداتی، ۱۳۹۹: ۵۳۰، ۶۲۲، ۶۳۳-۶۳۵، ۶۶۳، ۶۸۰، ۶۹۳) پس رویکرد و روش صحیح در اسلام‌شناسی، متون‌شناسی دقیق مصادِر اسلامی، اولویت دادن به ایمان و بحث‌های کلامی و فقهی، فدای مدرنیته نشدن، متأثر نبودن از سکولاریسم، بی‌طرف بودن، از درون متن به بیرون نگاه کردن و همین‌طور در عین داشتن اصالت اسلامی با زبان آکادمیک صحبت کردن است. مسلمانانی که قصد همکاری در نگارش مقالات دایرةالمعارفی را دارند، حتماً باید ابتدا آثار و متون اصیل اسلامی را خوانده باشند، پایه فکری و معرفت‌شناسی آن‌ها محکم و راسخ باشد، سپس در معرض آثار غربی قرار گیرند تا متأثر از مفاهیم غربی نشوند.

۵. نتیجه‌گیری

۱. موضوع همه ۶۹۴ مدخل دایرةالمعارف قرآن در یک تقسیم‌بندی اولیه به دو بخش معارف قرآن و علوم قرآن، و مدخل‌های بخش معارف قرآن به دو دسته کلی علوم طبیعی و علوم انسانی تقسیم شده‌اند که علوم طبیعی شامل هفت قسمت است که مجموعاً ۷۵ مقاله یعنی ۱۲ درصد از مدخل‌های معارف اسلامی را به خود اختصاص می‌دهند و ۸۸ درصد از مدخل‌های معارف اسلامی به علوم انسانی اختصاص می‌یابند

که این رقم، نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ بین مباحث قرآنی و علوم انسانی است.

۲. مدخل‌های مربوط به علوم انسانی در یک تقسیم‌بندی کلی به موضوعات عقلی (۳۲٪) و غیرعقلی (۶۸٪) تقسیم می‌شوند. قسمت علوم انسانی غیر عقلی، به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌شوند که با نسبت مساوی هر یک ۵۰٪ از این بخش را به خود اختصاص داده‌اند. تاریخ، ادبیات و انسان‌شناسی از جمله موضوعات نظری هستند و موضوعات عملی هم به دو دسته احکام عبادی و غیر احکام عبادی تقسیم می‌شوند. احکام عبادی به شاخه‌های فردی، اجتماعی، خانوادگی و نظامی تقسیم می‌شوند و روانشناسی، اخلاق، علوم اجتماعی، سیاست و اقتصاد از جمله موضوعات جای‌گرفته در دسته غیر احکام عبادی هستند.

۳. از مجموع مقالات دایرة‌المعارف، ۲۴ درصد به مسائل اعتقادی اعم از اسلامی و ادیان دیگر، ۱۴ درصد به احکام عبادی، ۱۴ درصد به غیر احکام عبادی و ۲۲ درصد به تاریخ اختصاص دارند. این قسمت شامل وقایع تاریخی، شخصیت‌شناسی، باستان‌شناسی و فرق دینی می‌شود.

۴. از بین ۲۷۸ نویسنده‌ای که در مجموع ۶۹۴ مقاله این اثر را نگاشته‌اند، ۸۰ درصد آن‌ها غیرمسلمان و ۲۰ درصد آن‌ها مسلمان هستند. علی‌رغم مکاتبه با نویسندگان، به جز اطلاعاتی که از مذهب آن‌ها در منابع مشخص بود، اطلاعات قابل توجه بیشتری از مذهب نویسندگان به دست نیامد، زیرا در جوامع غربی، به دلیل غلبه سکولاریسم، پرسش و آگاهی از عقیده و دین افراد بی‌احترامی تلقی می‌گردد و مذموم است و محققان غربی اصولاً پیش‌فرض‌های خود را کتمان می‌کنند، اما اخلاقیات نویسندگی ایجاب می‌کند که نویسنده صادقانه به عقاید خود اعتراف کند تا خواننده بداند که از کجا به بحث علمی ورود می‌کند.

۵. علی‌رغم ادعای مک‌اولیف در پیش‌گفتار EQ مبنی بر استفاده از تنوع روش‌ها و

دیدگاه‌ها در سرتاسر دایرةالمعارف قرآن، واقعیت این است که همه نویسندگان اعم از اقلیت مسلمان و اکثریت غیرمسلمان دارای مبانی و پیش‌فرض‌های مشترک هستند که متن قرآن را نه وحیانی، بلکه بشری می‌دانند و در پی تفسیر تاریخی قرآن هستند و تحت تأثیر همین پیش‌فرض، مطلب خود را در تخصص‌های مرتبط با خود مطرح می‌کنند و این مسائل را برای آموزش دادن دین، ضروری نمی‌دانند.

۶. تفکیک عالم اسلامی از عالم مسلمان، یک ضرورت برای وضعیت حاضر در جهان اسلام است، زیرا حاصل تولیدات علمی عالم مسلمان در قالب علم سکولار انجام می‌شود در صورتی‌که تولیدات علمی اندیشمند اسلامی در چارچوب جهان‌بینی اسلامی انجام می‌شود.

منابع

۱. آیلکمن، دیل. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه ابراهیم موسی پوربشلی. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۲. اشمیتکه، زاینکه. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه جلیل پروین. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۳. اقبال، مظفر. (۱۳۸۸). «خاورشناسی و دایرةالمعارف قرآن لیدن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۶، ۱۱-۳۰.
۴. ایمان، محمدتقی، کلاته ساداتی، احمد. (۱۳۹۹). روش شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان (ارائه مدلی روش شناختی از علم اسلامی)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. باردن، لورنس. (۱۳۷۵). تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۶. باورینگ، گرهارد. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه نصرت نیل ساز. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۷. بارسانیا، حمید. (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی، قم: نشر فردا.
۸. ترکمانی، حسینعلی؛ محمدی، جواد. (۱۳۹۳). «ارزیابی پژوهش‌های جین دمن مک اولیف»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۷، ۳۱ - ۵۱.
۹. حائری، شهلا. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه سعید عدالت نژاد. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۱۰. خلجی، مهدی. (۱۳۸۹). محمد ارکون؛ ناقد رادیکال سنت. بی‌بی‌سی فارسی.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۴). منطق تفسیر (۴)، مباحث جدید دانش تفسیر (زبان قرآن، هرمنوتیک، فرهنگ زمانه)، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۲. ژیلیو، کلود، لارشه، پی‌یر. (۱۳۹۹). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه مهرداد عباسی. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۱۳. سفیدحاجی، زهره. (۱۳۹۳). ترجمه و تحلیل انتقادی مداخل «سیاست و قرآن» و «حاکمیت» در دایرةالمعارف قرآن لیدن با تکیه بر اندیشه‌های امام خمینی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۱۴. شری، لوئین. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه اعظم پویا. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۱۵. صادقی، اکبر. (۱۳۸۲). «مروری بر پژوهش‌های قرآنی اندرو ریپین»، کتاب ماه دین، شماره ۷۰ و ۷۱، ۷۶ - ۸۱.

۱۶. صادقی، بهنام؛ گودرزی، محسن. (۱۴۰۰). مصحف صنعاء ۱ و مسئله خاستگاه قرآن. ترجمه مرتضی کریمی‌نیا. تهران: انتشارات هرمس.
۱۷. طباطبایی، محمدعلی. (۱۳۹۳). مقایسه دو رویکرد اسلام‌پژوهی. نشست نخست از سلسله نشست‌های قرآن‌پژوهی پژوهشکده تفسیر اهل بیت (ع).
۱۸. طباطبایی، محمدعلی، (۱۳۹۳) «روش و رویکرد فایرستون در معرفی اسلام؛ مرور، تحلیل و نقد یک کتاب». علوم قرآن و حدیث: نشریه تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام)، سال دوم. شماره ۲، ۱۴۹ - ۱۹۲.
۱۹. عسگری، یاسر، نوروزی فیروز، رسول. (۱۳۹۳). روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب: گفتارهایی از عبدالعزیز ساشادینا، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۰. فایرستن، رثون. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه حسن رضایی. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۲۱. فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۹۵). روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۲. فروند، ژولین. (۱۳۷۲). نظریه‌های مربوط به علوم انسانی. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۳. فریر استواسر، باربارا. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه جلیل پروین. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۲۴. کریپندورف، کلوس. (۱۳۷۸). مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا. ترجمه هوشنگ نائینی. تهران، انتشارات سروش.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). «رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی». مجموعه مقالات: وحدت حوزه و دانشگاه و بومی و اسلامی‌کردن علوم انسانی. نشریه حوزه و دانشگاه.
۲۶. معارف، مجید؛ محمدکاظم شاکر، مرتضی کریمی‌نیا، امیر مازیار و سید علی آقایی. (۱۳۹۲). «نشست نقد و بررسی ترجمه فارسی دایرةالمعارف قرآن». کتاب ماه دین، شماره ۱۹۲، ۳ - ۱۵.
۲۷. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۶). علوم قرآنی، قم: التمهید.
۲۸. مک اولیف، جین دمن. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه مهرداد عباسی. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۲۹. نویورت، آنلیکا. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن ترجمه جلیل پروین. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۳۰. نویورت، آنلیکا. (۱۳۹۹). دایرةالمعارف قرآن. ترجمه نصرت نیلساز. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۳۱. بوینبیل، خوتیر. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف قرآن ترجمه حسن رضایی. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.

۳۲. توفیقی، فاطمه. (۱۴۰۰). «روش‌شناسی دین‌پژوهی در معرفی شخصیت‌های تاریخی». تهران: دین‌آنلاین <https://b2n.ir/x67437>
۳۳. قرآن‌پژوهی در غرب، (۱۳۹۵) «گفتگو با آنجلسا نیویورت»، تبیان. <https://b2n.ir/h12487>
۳۴. مرکز و کتابخانه مطالعات اسلامی به زبان‌های اروپایی، (۱۳۹۹) <https://b2n.ir/x90323>
35. Afscheid arabist Fred Leemhuis:2009 , <https://b2n.ir/k24689>
36. American Philosophical Society Member History,2019 <https://b2n.ir/a48793>
37. Coran et sciences de l'Homme:2008, <https://b2n.ir/p30179>
38. dbpedia:2022, Jane Dammen McAuliffe, <https://b2n.ir/b86507>
39. Forbes, 2022 <https://b2n.ir/h72523>
40. Harvard Divinity School (HDS),2011) , <https://b2n.ir/x10123>
41. SOAS, University Of London:2022 , <https://b2n.ir/y90075>
42. The New York Times:2010, Nasr Abu Zayd, Who Stirred Debate on Koran, <https://b2n.ir/u80538>
43. The University Of Chicago:2022, Wadad Kadi , <https://b2n.ir/h96332>
44. The University OfUottawa, 2022 , <https://b2n.ir/a96561>